

نسخه خطی شماره Suppl. Persan 347 کتابخانه ملی پاریس در سال ۱۸۵۳م خریداری شده است. این نسخه خطی کوچک (۱۱۵×۱۱۵ میلی‌متر) جلدی با پوششی از چرم ساغری سیاه و ۱۹۹ برگ دارد و ظاهراً در نیمه دوم سده شانزدهم در امپراتوری عثمانی یا در غرب ایران استنساخ شده است. این مجموعه شامل پنج رساله درباره اسب و بیطاری است که همه آنها را کاتب واحدی که خود را در پایان نخستین اثر (برگ ۶۸ ب) "مولانا مصطفی بن مولانا محمد مشهور به "علمی" معرفی نموده، استنساخ کرده است. این کاتب گرچه شعرهایی نیز گفته، ولی ظاهراً ذکر او در هیچ منبع دیگری نیامده است. به هر تقدیر، وی استنساخ رساله نخست را در روز آدینه‌ای از سال ۹۷۱ ق. (= ۱۵۶۳-۴ م) به پایان برده است (برگ ۶۸ ب). آثار دیگر، که آنها هم به خط نستعلیق نگاشته شده‌اند (۱۲ تا ۱۵ سطر در هر صفحه)، نه تاریخ دارند (به جز چهارمی) و نه نام کاتب.

این مجموعه که بر روی کاغذ فرنگی نگاشته شده به ترتیب مشتمل است بر:

۱) فرسنامه‌ای فارسی که مؤلف ناشناخته آن به نوشته‌های برخی مؤلفان قدیم استناد می‌کند. (برگ اب- ۶۸ ب). این فرسنامه همان رساله‌ای است که در برگ‌های ۳ ب تا ۳۳ مجموعه دیگری در کتابخانه ملی به نشانه Suppl. Persan 346 یافت می‌شود و به «قانیوس حکیم» [کذا] نسبت داده شده است.

فرسنامه حاضر به ۷۷ باب، به جای ۷۰ باب در آن نسخه دیگر، بخش شده است. چندین نسخه از این فرسنامه در کتابخانه‌های دیگر شناخته شده است. استوری (Storey)

۱. برای نشانه و وصف آن در فهرست بلوشه، نک:

Edgar Blochet, Catalogue des manuscrits persans, II, Paris, 1912, no. 893, pp. 139-40.

فرسنامه‌ای فارسی

مورخ ۵۵۵ قمری

نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس

فرانسیس ریشار *

مترجم: هوشنگ اعلم **

چکیده: در کتابخانه ملی فرانسه مجموعه‌ای خطی مشتمل بر پنج رساله درباره بیطاری، در ۱۹۹ برگ وجود دارد. رساله نخست این مجموعه را مولانا مصطفی بن مولانا محمد مشهور به علمی در سال ۹۷۱ ق، در غرب ایران استنساخ کرده است و رسائل دیگر آن تاریخ و نام کاتب ندارد. رساله نخست این مجموعه، فرسنامه مبارک بن زنگی، معروف به قیم نهاوندی است، که در جوانی سوار کار مشهوری بوده و این رساله را در ۵۵۵ ق تألیف کرده است. نسخه این رساله، که از نظر علمی و عملی اهمیت دارد، کامل نیست و در باب پنجاه و سوم پایان می‌یابد؛ احتمالاً کاتب آن، نسخه ناقصی را در اختیار داشته است. در این مقاله عنوان و آغاز و انجام هریک از پنجاه و سه باب آمده است. این فرسنامه منثور، حاکی از علاقه ایرانیان به پرورش و تربیت اسب در سده ششم هجری است.

کلید واژه: کتابخانه ملی فرانسه (پاریس)؛ نسخه‌های خطی؛ فرسنامه؛ اسب‌ها؛ بیطاری.

✓ مشخصات این مقاله چنین است:

Francis Richard, «Un traité persan d'hippiatrie portant la date de 555 H. (=1160) de la Bibliothèque Nationale», in *Studia Iranica*, 1988, Tome 17, pp. 95-101.

(با حذف برخی جزئیات)

* Francis Richard، مسئول بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی فرانسه.
** نویسنده و مترجم؛ عضو هیأت علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

نیز بی آنکه عنوان کتاب و نام مؤلف یا مترجم فارسی و تاریخ نگارش آن را تعیین کند، آن را در تالیف خود ذکر کرده است.^۲

۲) مثنوی کوتاهی در ۲۹ بیت به زبان کردی درباره اسب‌ها و صفات آنها (برگ ۶۸ ب - ۶۹). این مثنوی چنین آغاز می‌یابد:

گفتار شاو سین / صراف جیوناس
فام دارد نیام صراف جیوناس

چه لام مالو من ارکستن از خاص ...

۳) فرسنامه فارسی مثنوی (برگ ۶۹ ب - ۱۷۹ ب)، که آن را بعداً مفصل‌تر معرفی خواهیم کرد.

۴) مثنوی کوچک دیگری به کردی درباره همان موضوع شماره ۲، شامل ۳۸ بیت.

بنا بر آنچه در بالای این مثنوی نوشته شده، کاتب این مجموعه، مولانا مصطفی ابن مولانا محمد علمی، آن را در جواب مثنوی کردی مذکور سروده است، با این مطلع:

فام دارد نیام من بفام ویر

تحقیقم زنان چه استاد پیر...

۵) فرسنامه منظومی به فارسی از سید غیاث‌الدین برقوسی (برگ ۱۸۰ ب - ۱۹۹ ب). این رساله که به شیوه سؤال و جواب است ناقص است. یعنی برگ آخر فصل ۵ از میان رفته است. به هر حال، این مثنوی، چنانکه در اینجا باقی مانده، شامل ۴۱۰ بیت است. گمان نمی‌رود که برقوسی نام مهدی الیه و تاریخ سرایش را ذکر کرده بوده باشد. مع ذلک احمد منزوی در فهرست خود^۳ متنی محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را ذکر کرده است. که اندکی با نسخه ما تفاوت دارد.

طبق پیش‌گفتار نسخه مذکور منزوی، مؤلف آن «سید حسینی» نامی است، که آن را به «شاه جلال‌الدین اسکندر» اهدا کرده است. این «شاه جلال‌الدین» به

احتمال نزدیک به یقین اسکندر بن عمر تیموری است که از ۸۱۲ ق/ ۱۰۴۹ م تا ۸۱۷ ق/ ۱۴۱۴ م، بر فارس حکومت کرد. مع ذلک، مثنوی مذکور در فهرست منزوی همان مثنوی موجود در نسخه ماست. لذا شاید باید نام کامل مؤلف را چنین بازسازی کرد: سید غیاث‌الدین حسینی برقوسی. بدبختانه نام او در هیچ یک از منابع موجود دیده نمی‌شود و درباره آن نمی‌توان مطمئن بود. متأسفانه نسخه سوّمی از همین فرسنامه منظوم که در کتابخانه واتیکان موجود است (مجموعه فارسی، شماره ۱۳۸) و در سده هجدهم استنساخ شده، نه از مؤلف و نه از مهدی الیه ذکری نمی‌کند.^۴

به هر تقدیر، فرسنامه برقوسی در نسخه ما چنین آغاز می‌یابد:

بسم (...) این کتاب فرس نامه از فرموده سید (...) هر کس که این مختصر را بخواند (...)

بنام آنکه صنّعش کرد پیدا

بأمر کُن وجود کلّ اشیاء
خداوندی که علاّم الغیوب است

خداوندی که ستار العیوب است (...)

این فرسنامه، که هم جنبه عملی و هم جنبه علمی دارد (برگ ۸۰ ب) به گفته خود مؤلف، مختصری است درباره اسب‌ها و بیطاری. ظاهراً هنوز کسی آن را توصیف نکرده است.^۵ مؤلف آن «مبارک بن زنگی»، معروف به قیم نهاوندی است (برگ ۷۳)، که می‌گوید (همان جا) این کار را در ۵۵۵ ق. (= ۱۱۶۰ م) وقتی که جوان بود، آغاز کرد.

همچنین می‌گوید که از دو منبع عربی الهام گرفته است: یکی اثر «امیر سعید محمد یعقوب الختلی، پادشاه ختلان» (برگ ۷۲) و دیگری تالیف ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه (د ۲۶۷ ق/ ۸۸۹ م)^۶ (برگ ۷۲) که چندین بار به قول او استناد کرده است.

در مقدمه این فرسنامه ذکری هم از «سلطان ماضی»

2. C. A. Storey, *Persian literature, a bio-bibliographical survey*, II/3, Leiden, 1977, no. 680 (9), p. 401.

نسخه دیگری از همین رساله، در ۷۷ باب و منسوب به «قانیوس حکیم» (کذا) در کتابخانه Wellcome Institute در لندن موجود است؛ نک: ف. کشاورز، *A descriptive and analytical catalogue of Persian manuscripts*. (لندن، ۱۹۸۶، شماره ۱۹۵ صص ۸-۳۵۷).
به طور کلی، ظاهراً رساله‌های فارسی درباره اسبان و بیطاری توجه چندانی به خود جلب نکرده‌اند. در این باره کافی است که به مقاله «اسب» نوشته علی سلطانی گرد فرامرزی در *Encyclopaedia Iranica* ۲، ص ۷۳۶، مراجعه کنیم که مؤلف فهرست بسیار کوتاهی از آن رساله‌ها را به دست داده است، یا به الذریعة الی تصانیف الشیعة آقا بزرگ تهرانی (ج ۱۶، نجف، ۱۹۶۸، صص ۷۲-۱۶۸) که مکمل فهرستهای منزوی یا استوری است. به این ارجاعات باید دو فرسنامه دیگر را افزود: به کوشش علی سلطانی گرد فرامرزی، تهران انتشارات مؤسسه مک گیل و دانشگاه تهران، ۱۳۶۶/۱۹۸۷. فرسنامه‌ای مثنوی در ۶۰ باب و ۱۱ فصل و دیگری فرسنامه صفی به نظم.

۳. احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۱، تهران، ۱۳۴۸، صص ۴-۴۲۳ مقایسه کنید با کتاب مذکور Storey ش ۶۸۰ (۱۳) ص ۴۰۱.

4. E. Rossi, *Elenco dei manoscritti persiani della Biblioteca Vaticana*, Roma, 1948, pp. 139-40.

۵. استوری که داده‌های بلو ش را تکرار کرده از این فرسنامه غافل مانده است.

۶. قیاس کنید با استوری، همان، ص ۳۹۶.

7. F. Sezgin, *GAS III: Medizin-Pharmazie-Zoologie-Tierheikunde bis ca. 430 H.*, Leiden, 1970, pp. 376-7.

پایان، آنچنان که در برگ ۱۷۹ اب دیده می شود:
 [...] که اسب لاغریود و کمیز دشوار کند و علف نخورد
 و همیشه فرجش سست بود و علاجش [...]»
 عنوان باب‌ها (به جز باب اول که عنوان ندارد)، که
 معمولاً با مرکب سرخ (شنگرف) نگاشته شده، چنین است:
 باب دوم: «در شناختن اسب دونه»
 سوم: «در آنچه در اسبان عیب بود»
 چهارم: «در نشان‌ها و دانه‌های پسندیده که بر اسب
 بود»
 پنجم: «در نشان‌ها و دانه‌های مکروه و ناپسندیده که
 در اسب بود»
 ششم: «در رنگ‌ها [ی] اسبان» (۱۱ رنگ را ذکر می کند)
 هفتم: «در آنچه پسندیده نبود از رنگ‌های اسبان»
 هشتم: «در سپیدیهای پسندیده»
 نهم: «در سپیدیهای ناپسندیده و مکروه»
 دهم: «در باب سواری»
 یازدهم: «در آنکه هر اسبی به چه کار آید و به چه
 شایسته بود»
 دوازدهم: «در باب اسب داغی و حکایت دیگر»
 سیزدهم: «در علف دادن اسبان»
 چهاردهم: «در نشان کُره و آموختن»
 پانزدهم: «در ریاضت فرمودن اسب»
 شانزدهم: «در جو خواره کردن و دوآیندن از بهر سیاق»
 هفدهم: (فاقد عنوان) چنین آغاز می یابد: «اسبها علم
 در دوآیندن آنست که...»
 بابهای هجدهم و نوزدهم ظاهراً از این نسخه ساقط
 شده است:
 باب بیستم: «در آنکه اسب از بُنِ ران لنگ شود»
 بیست و یکم: «در آنکه اسب را به وقت برخاستن ناه
 [کذا] (...)»
 بیست و دوم: «در یاد کردن (آنرایی) [کذا] اسب بدید
 آید»
 بیست و سوم: «در آنکه اسب پِها و دست پا قوی کند»
 بیست و چهارم: «در آنکه اسب از میان پِهای دست و
 پای در خوردگاه بیضه‌ای بیرون کند»
 بیست و پنجم: «در آنکه اسب را در خوردگاه آماس
 گیرد»
 بیست و ششم: «در آنکه برسم اسب [کذا] عددی
 بدید آید»
 بیست و هفتم: «در آنکه اسب از دست و پای آب

محمد رفته است (برگ ۷۹ ب). این «سلطان ماضی»
 [=در گذشته] مسلماً محمد، سلطان سلجوقی عراق است
 که در ۵۵۴ ق/ ۱۱۵۹ م، در همدان درگذشت. در همین
 مقدمه نام چهار امیر دیگر نیز برده شده است:
 شرف الدین گرد بازو، عزالدین، ناصرالدین اَقشرو
 زین الدین علی کوچک. درباره امیر شرف الدین گرد بازو
 می دانیم^۸ که وی در ۵۵۵ ق/ ۱۱۶۰ م، دستور داد که سلیمان
 شاه، حاکم سلجوقی همدان و جانشین محمد، را بازداشت
 کنند. سپس با همراهی سلطان ارسلان، امیر عزالدین سَتَمَز
 را که با حاکم جدید همدان مخالف بود، در نبرد مرگ قره
 - تگین شکست داد. دیگر این که امیر زین الدین علی
 کوچک، فرمانده سپاه حاکم زنگی موصل به هنگام محاصره
 بغداد در ۵۵۱-۲ ق/ ۱۱۵۷ م، بود. از این چند اشاره به آسانی
 می توان نتیجه گرفت که فرسنامه قیم نهانندی در غرب
 ایران اندکی پس از مرگ سلطان محمد نوشته شده است.
 این مطلب سال ۵۵۵ ق را که مؤلف در مقدمه خود تاریخ
 شروع تألیف فرسنامه ذکر کرده است تأیید می کند. تاریخ
 ختم آن شاید چند سال بعد بوده است (برگ ۷۳).
 پس از مقدمه، این فرسنامه، که شماره کل بابهای آن
 معین نشده است، با باب اول درباره شیوه اسب سواری
 آغاز می یابد. این نسخه فرسنامه نهانندی کامل نیست و
 در میان باب پنجاه و سوم متوقف می شود. چون این نسخه
 خطی ظاهراً سقطه‌ای در این موضع ندارد، هیچ بعید
 نیست که کاتب، مصطفی علمی، نسخه ناقصی در اختیار
 می داشته است.
 گرچه ممکن است که کاتبان زبان متن را در مواضع
 عدیده "روزآمد" کرده باشند، اما فرسنامه نهانندی، به خاطر
 تاریخ تألیف آن هم که شده، شایسته جلب توجه
 متخصصان است.
 در اینجا ما آغاز این فرسنامه و پایان آن، آنچنان که در
 میان باب پنجاه و سوم دیده می شود، و سپس فهرست
 بابها را به اختصار ذکر می کنیم:
 آغاز (برگ ۶۹ ب):
 «سپاس بی قیاس ایزدی را که آفریدگار جهانست و
 روزی دهنده بندگانش و شناسنده آشکار و نهانست (...)»
 اما بعد بیاید دانستن که بیست در باب اسب شناختن [...]»
 آغاز باب اول (برگ ۸۱):
 [...] در باب سواری یاد کنم که چگونه باید که بود و
 آموخته - دیگر در شناختن سال اسب و علامت دندان
 اول دو دندان از بالا و دوازدهم باشد [...]»

8. Cambridge history of Iran, vol. 5, ed. J. A. Boyle, Cambridge, 1968, pp.176-8.

در آورد»

بیست و هشتم: «در آنکه سُم دست و پای اسب شکافته شود»

بیست و نهم: «در آنکه سُم و دست کوفته شود»

سیم: «در شقاق و شیرینه که در دست و پای اسب بدید آید»

سی و یکم: «در آنکه در شکم اسب کرم و زنبوره بدید آید»

سی و دوم: «در آنکه اسب را سرما و گرما رسد»
سی و سوم: «در آنکه اسب [را] تیش در اندام بدید آید»

سی و چهارم: «در جرد شدن اسب از لجهای دو گانه»
سی و پنجم: «در سرطان که پشت و پای اسب بدید آید»

سی و ششم: «در آنکه اسب را مَشش بدید آید»
سی و هفتم: «در آنکه اسب را عَرَن [کذا] بدید آید»
سی و هشتم: «در آنکه اسب را سولنگ بدید آید»
سی و نهم: «در آنکه بر همه اندام خشکی بدید آید»
چهل و یکم: «در دریه و آن علتی بود که...»

چهل و دوم: «در صفرای خشک که در اسب بدید آید»

چهل و سوم: «در نحل و ملخ [کذا] که در اسب بدید آید»

چهل و چهارم: «در آماس های گوناگون که در اسب بدید آید»

چهل و پنجم: «در آنکه اسب را خوک بر اندام بدید آید»

چهل و ششم: «در بادهای گوناگون که بر اسب بدید آید»
چهل و هفتم: «در آنکه اسب را نفس زدن بدید آید»
چهل و هشتم: «در آنکه اسبی را دلَق (؟) پای شود»
چهل و نهم: «در آنکه اسب را تیره بدید آید»
پنجاهم: «در آنکه اسب را دُم گرفته باشد»
پنجاه و یکم: «در آنکه اسب را قُضیب و خایه آماس گیرد»

پنجاه و دوم: «در آنکه از کون و قُضیب اسب خون آید»

پنجاه و سوم: «در موی رویانیدن و گُم کردن»
هیچ نشانه‌ای برای تخمین اهمیت خلاء بعدی وجود ندارد.

این فرسنامه، که در حدود چهل سال پس از مجمل التواریخ و القصص نوشته شده، به فهرست آثار فارسی



برگی از فرسنامه هندی، کتابخانه موسسه تاریخ پزشکی ولکام، شماره ۱۹۰.

منثوری که در سده ششم هجری (دوازدهم میلادی) در غرب ایران تألیف شده‌اند، افزوده می‌شود. ضمناً خود مؤلف تصریح می‌کند که در جوانی سرکار مشهوری بوده (برگ ۷۳) و دانش خود را بدون معلم کسب کرده است، و فقط در [سال] ۵۵۵ق است که مطالعه آثار استادان قدیم را آغاز می‌کند. بدینسان این اثر زائیده تلفیق تجارب نهانندی با نوشته‌های آن استادان است. مثلاً، در نقل خاطرات شخصی خود داستان جوانکی از ملازمان شرف الدین گرد بازو را حکایت می‌کند (برگ ۱۳۹) که قادر بود مسافت رفت و برگشت همدان به روستای دیوان را با یک اسب در یک روز ببیماید.

سرانجام این که این فرسنامه گواهی بر علاقه شدید مردم ایران به اسب، تربیت و بیماری‌هایش در آن سده‌ها است.